



آمریکا باید خسارات وارده بر مردم ایران را جبران کند

وزیر امور خارجه گفت: ایالات متحده باید تمام خسارات وارده بر مردم ایران را که هیچ دلیلی جز برآورده کردن وعده‌های انتخاباتی داخلی اش و تبختر شخصی نداشته، به طور کامل جبران کند.

وزیر امور خارجه گفت: ایالات متحده باید تمام خسارات وارده بر مردم ایران را که هیچ دلیلی جز برآورده کردن وعده های انتخاباتی داخلی اش و تبختر شخصی نداشته، به طور کامل جبران کند.

به گزارش خبرنگار مهر، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه در سخنرانی شب جاری خود (سه شنبه) در نشست شورای امنیت درباره ارائه گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد درباره اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ که به صورت ویدئوکنفرانسی برگزار شد، اظهار داشت: از ۸ مه ۲۰۱۸ به بعد، ایران و سایر اعضای جامعه بین المللی، شاهد بوده اند که دولت ایالات متحده – که از جمله بانیان قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بود- به طور مداوم قطعنامه را نقض کرده و در عین حال سایر کشورها را برای پیوستن به خودش در نقض متنی که خود ارائه داده بود، تشویق می کند. از این خطرناک تر، و برای اولین بار در تاریخ سازمان ملل متحد، یک عضو دائم شورای امنیت به مجازات دولتهای قانون مدار و اشخاص خصوصی به اتهام عدم نقض قطعنامه شورا می پردازد، قطعنامه ای که بر «ارتقا و تسهیل توسعه تعاملات اقتصادی و تجاری عادی و همکاری با ایران» تأکید می کند.

وی افزود: با این حال، حتی یک جلسه شورا برای نکوهش دولت آمریکا یا حداقل برای بررسی نقض های مکرر آن تشکیل نشده است. در عوض، برخی از اعضای اروپایی شورا در فکر تخریب بیشتر قطعنامه و شورا هستند، در حالی که نسبت به تعهدات خود در مورد برجام به پایبند نیستند.

متن کامل سخنرانی ظریف به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

آقای رئیس،

مایلم سخنرانی خود را با همان عباراتی آغاز کنم که نخست وزیر مصدق ۵۹ سال پیش در این شورا به کار برد. «شورای امنیت تأسیس شد تا ملل بزرگ و کوچک به طور یکسان بتوانند دور یک میز بنشینند و برای حفظ صلح مطابق با اهداف و اصول ملل متحد همکاری کنند. شورا نمی تواند وظیفه خطیر خود را انجام دهد … مگر اینکه قدرت های بزرگ به اصولی که شورا برای محقق کردن آن ها ایجاد شده احترام بگذارند.»

دو سال بعد، وی در کودتای سیا برکنار شد.

آقای رئیس،

چنانچه بار دیگر شورا تغل و رز، به منزله یک نسل عقبگرد در چندجانبه گرایی و حاکمیت قانون خواهد بود.

همه ما طی سال های گذشته شاهد بوده ایم که چگونه یکجانبه گرایی بدخواهانه ایالات متحده به صورت هدفمند به نهادها و همکاری های بین المللی حمله کرده است. تلاش موازی برای جایگزین کردن حقوق داخلی ایالات متحده با حقوق بین الملل، مستقیماً صلح و امنیت جهانی را خدشه دار کرده است.

متأسفانه، خودکامگی است که این بی پروایی را ایجاد و ترغیب کرده است.

در واقع، خودکامگی دلیل ریشه ای نشست امروز است.

از ۸ مه ۲۰۱۸ به بعد، ایران و سایر اعضای جامعه بین المللی، شاهد بوده اند که دولت ایالات متحده – که از جمله بانیان قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بود- به طور مداوم قطعنامه را نقض کرده و در عین حال سایر کشورها را برای

پیوستن به خودش در نقض متنی که خود ارائه داده بود، تشویق می کند. از این خطرناک تر، و برای اولین بار در تاریخ سازمان ملل متحد، یک عضو دائم شورای امنیت به مجازات دولتهای قانون مدار و اشخاص خصوصی به اتهام عدم نقض قطعنامه شورا می پردازد، قطعنامه ای که بر «ارتقا و تسهیل توسعه تعاملات اقتصادی و تجاری عادی و همکاری با ایران» تأکید می کند.

با این حال، حتی یک جلسه شورا برای نكوهش دولت آمریکا یا حداقل برای بررسی نقض های مکرر آن تشکیل نشده است. در عوض، برخی از اعضای اروپایی شورا در فکر تخریب بیشتر قطعنامه و شورا هستند، در حالی که نسبت به تعهدات خود در مورد برجام به پایبند نیستند.

برای سرپوش گذاشتن بر این مسئله، ایالات متحده - با برخی از عمال خود- به دبیرخانه فشار آورد تا یک خوانش گمراه کننده از قطعنامه ۲۲۳۱ را اتخاذ کند، که این نقطه خلاف تصدیق آشکار شورای امنیت است «که تفاهم برجام نشان دهنده یک تغییر بنیادین در بررسی این موضوع توسط شورای امنیت است». رویکردی که از جانب سه دولت طرف برجام رد شده است.

ایالات متحده - به همراه همدمستان خود در جنایات جنگی در یمن- پا را فراتر گذاشته و کارزار وقیحانه ای جهت ارباب نهادهای بین المللی ایجاد کرده است. اخیراً، آنها دبیرخانه را وادار به اتکا به ادعاهای خودساخته و اسناد جعلی برای تهیه یک گزارش کاملاً غیرحرفه ای در خارج از محدوده اختیارات آن ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ می کنند. جای تعجب نیست که دبیرخانه - همزمان - ائتلاف سعودی را از کشتار کودکان در یمن که کاملاً مستند است، میرا دانست.

این وضع موجود نه قابل قبول و نه پایدار است.

جامعه بین المللی به طور کلی - و شورای امنیت ملل متحد به طور خاص- با تصمیم مهمی روبرو هستند: آیا ما حاکمیت قانون را حفظ می کنیم، یا با تسلیم در برابر هوس های یک متخلف، به قانون جنگل باز می گردیم؟

آقای رئیس،

علی رغم مخالفت شدید و مشروع ما نسبت به بد رفتاری تاریخی نسبت به ایران توسط شورای امنیت - خصوصاً در طول ۸ سال تجاوز صدام حسین و همچنین در جریان بحران غیرضروری هسته ای، ایران با مشارکت در مذاکرات، حسن نیت خود را جهت دستیابی به یک راه حل دیپلماتیک، همانطور که همه قطعنامه های شورای امنیت در مورد موضوع هسته ای خواستار شده بودند، نشان داد. پس از سیزده سال مذاکرات پیچیده، در سال ۲۰۱۵ ایران و پنج عضو دائم این شورا به علاوه آلمان، برنامه جامع اقدام مشترک را امضا کردند که به قطعنامه ۲۲۳۱ منضم شده و جز جدایی ناپذیر آن است. ایران مواضع خود را بلافاصله پس از تصویب قطعنامه و اخیراً بار دیگر اعلام کرد. با این وجود، به تمام تعهدات خود با حسن نیت پایبند بوده، که این امر توسط گزارش های متعدد آژانس بین المللی انرژی اتمی مورد تأیید واقع شده است.

علیرغم این دستاورد بزرگ دیپلماسی چندجانبه، رئیس جمهور ایالات متحده در ماه مه ۲۰۱۸ خروج یکجانبه دولتش از برجام و اعمال مجدد غیرقانونی همه تحریم های ایالات متحده، در نقض آشکار قطعنامه ۲۲۳۱ را اعلام کرد. پیش از آن ایالات متحده دائماً موارد متعددی از «عدم پایبندی اساسی» به تعهدات برجامی اش را مرتکب شده بود. توجه به این نکته حائز اهمیت است که حتی دولت پیشین ایالات متحده نیز برای به حداقل رساندن آثار مثبت رفع تحریم ها ذیل برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ تمام تلاش خود را بکار گرفت.

همه اینها در نامه های متعدد اینجانب به هماهنگ کننده کمیسیون مشترک برجام و دبیرکل ملل متحد ثبت شده است، که متأسفانه همه اینها با بی اعتنایی طرف های اروپایی برجام مواجه شده است.

در پی خروج ایالات متحده از برجام، دبیرکل ملل متحد، سایر طرف های برجام و بسیاری دیگر از اعضای جامعه بین المللی، از ایران خواستند تا نگرانی های خود را از طریق سازوکارهای مقرر در برجام پیگیری کرده تا به طرف های باقیمانده برجام اجازه دهد خروج غیرقانونی آمریکا را جبران کنند.

طرف های اروپایی برجام از ایران خواستند که فقط چند هفته صبر کند و به آن ها اجازه دهد خساراتی که ایران در اثر تحریم های مجدد ایالات متحده متحمل شده است، را جبران کنند.

ضمن تصریح به محفوظ نگاه داشتن حق مسلم ایران طبق بند ۲۶، سازوکار حل اختلاف ذیل بند ۲۶ برجام در ۱۰ مه ۲۰۱۸ فعال شد. به هرحال ایران با عملکرد مبتنی بر حسن نیت، از اعمال این اقدام جبرانی خودداری نموده تا طرف های باقیمانده برجام قادر باشند به وعده های خود عمل کنند. به مدت یک سال تمام، اجرای کامل برجام را ادامه دادیم. من اطمینان دارم که همه شما از ۱۵ گزارش متوالی آژانس بین المللی انرژی اتمی که پایبندی کامل ایران از تعهدات برجامی را تأیید می کند، آگاه هستید.

متأسفانه، نه تنها پاسخ سه دولت اروپایی به «خویشترنداری راهبردی» ما، تناسبی با ادعای بلندپروازانه «استقلال راهبردی» اروپا نداشت، بلکه پاسخ آنها پایبندی بیش از حد به «فشار حداکثری» آمریکا بود که همه ایرانیان را هدف قرار داده است.

در ۶ نوامبر ۲۰۱۸، من ذیل بند ۲۶ برجام آخرین اتمام حجت را با هماهنگ کننده و طرف های باقیمانده برجام به عمل آوردم. طی نامه ای بیان کردم که «ایالات متحده اکنون تمام تحریم های مندرج در برجام و ضمیمه دو آن را مجدداً اعمال کرده است و همانطور که در بالا توضیح داده شد، هیچ اقدام جبرانی توسط باقی طرف های برجام اجرا نشده است. اکثر آن ها به طور مؤثر به اقدامات محدودکننده علیه ایران پیوسته اند … یا EU/E3+2 که مکرر بر تبعات امنیتی و راهبردی برجام تأکید کرده اند - باید با تحقق تعهدات خود در بیانیه های ۶ ژوئیه و ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۸ منافع مشروع ایران را به نحوی واقعی و عملیاتی بدون تأخیری بیش از این تضمین کنند؛ یا ایران گزینه ای نخواهد داشت جز اینکه حدی از توازن را برقرار کند - همان «اقدامات جبرانی که طرف ها در شرایطی که سازوکار اختلاف منجر به حل مسئله نشود، در نظر داشتند» … با توجه به موارد فوق، من رسماً درخواست تشکیل یک جلسه وزیران دیگر ذیل کمیسیون مشترک را اعلام می کنم.»

هیچ جلسه ای تشکیل نشد و هیچ یک از طرف های اروپایی برجام حتی تا شش ماه بعد، زحمت نگارش یک پاسخ را نیز متحمل نشدند. پس از طی مکرر روند سازوکار حل اختلاف بی هیچ ثمری، دولت متبوع اینجانب هیچ راهی جز اعمال حقوق خود ذیل بندهای ۲۶ و ۲۶ برجام جهت انجام اقدامات جبرانی و توقف اجرای تعهداتش در تاریخ ۸ مه ۲۰۱۹ پیش روی خود نداشت.

با وجود تمام این مسائل، اقدامات جبرانی ما تا امروز هیچ تأثیری در نظارت و راستی آزمایی آژانس بین المللی انرژی اتمی درباره برنامه صلح آمیز هسته ای مان نداشته است، از اینرو ادعای هرگونه خطر اشاعه ای بی پایه می باشد. قطعاً برنامه صلح آمیز هسته ای ایران، تحت «سخت گیرانه ترین» نظام بازرسی در تاریخ قرار دارد. در واقع، از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹، بیش از ۹۲ درصد از تمام بازرسی های آژانس در مقیاس جهانی در ایران انجام شده است.

حتی گزارش مناقشه برانگیز اخیر مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی در ۵ ژوئن سال ۲۰۲۰ بیان می دارد که: «آژانس به راستی آزمایی عدم انحراف مواد هسته ای اعلام شده در تأسیسات هسته ای و مکان های خارج از تأسیسات که به طور معمول مورد استفاده قرار می گیرند (LOFs) و از سوی ایران در چارچوب موافقت نامه پادمان های آن اظهار شده، ادامه می دهد.»

آژانس باید در برابر فشار خارجی برای دخالت در دستورکار خود، مقاومت کند. هدف اعلام شده ی سوابق اسناد جعلی نزد آژانس، نابودی همیشگی برجام است. از اینرو خاتمه نظارت سخت گیرانه آژانس بر فعالیت های جاری در ایران با احیا پرونده ای با قدمت ۱۷ سال و بدون هیچ خطر اشاعه ای که در سال ۲۰۱۵ به طور کامل توسط شورای حکام بررسی و مختومه اعلام شده، به نفع آژانس نیست.

آقای رئیس،

مواردی مانند توانایی های دفاعی و سیاست های منطقه ای ایران که با توافق متقابل از حوزه برجام خارج است، به نحو مخرب از جانب دولت آمریکا مطرح شده و توسط تعداد انگشت شماری از متحدان و عمالش طوطی وار تکرار می شود.

در اینجا، باید تأکید کرد که توافقی که در برجام صورت گرفت، با درک کامل اختلاف نظر ما با اعضای غربی گروه ۱ + ۵ در مورد موضوعات خاص بود. فریب نخورید: ما متقابلاً توافق کردیم که به این مسائل رسیدگی نکنیم؛ مهم تر از همه به این دلیل که ایالات متحده، آماده - یا احتمالاً حتی قادر به- پاسخگویی نگرانی های جدی ما راجع به سطح غیرقابل قبول فروش اسلحه و ساخت آن ها در همسایگی ما و رفتار بدخواهانه و مداخلات مداومش، که منطقه مان را به ویرانی کشیده، نبودند.

ایالات متحده موارد متعددی از خشونت نظامی علیه ایران و همسایگانش مرتکب شده، طی سه دهه گذشته سه مرتبه به همسایگان ما هجوم برده و منابع منطقه را از طریق فروش تسلیحات بی ثبات کننده دوشیده است، حامی سیتما تیک تروریست ها و پشتیبان اصلی جنایات علیه بشریت در یمن بوده است. مردم منطقه ما به اندازه کافی حضور بدخواهانه ایالات متحده را تجربه کرده اند و خواستار خاتمه آن هستند. طنز تلخ ماجرا این است که اکثر مردم آمریکا نیز خواهان بازگشت سربازان خود به خانه، همان جایی که به آن تعلق دارند، هستند.

این رژیم به طور احمقانه ایران را به مداخله در منطقه خود محکوم می کند؛ بله، البته ما خواستار تعامل با تمام همسایگان خود هستیم تا منطقه ای قدرتمند که مانع ظهور بلندپروازی های هژمونیک، توسط هر قدرت منطقه ای یا جهانی باشد، ایجاد شود. یک منطقه قوی مستلزم ثبات سیاسی و سرزمینی برآمده از درون منطقه می باشد. منطقه ای قوی که نیازمند اعمال خویشتن داری راهبردی از طرف همه همسایگان است. به همین منظور، رئیس جمهوری اسلامی ایران ابتکار صلح هرمز، موسوم به امید، را معرفی کرده است و ما بدون مداخله ایالات متحده از ۶۰۰۰ مایل دورتر می توانیم این را محقق کنیم.

آقای رئیس؛

دیوان بین المللی دادگستری به وضوح در نظر مشورتی خود در سال ۱۹۷۱ در قضیه نامیبیا اشاره کرد و من نقل قول می کنم: «یکی از اصول اساسی حاکم بر روابط بین الملل که ایجاد شده، این است که طرفی که بدعهدی می کند یا به تعهدات خود عمل نمی کند، نمی تواند به عنوان مستحق به برخورداری از حقوق ناشی از آن روابط شناخته شود».

پس از اعلام توقف رسمی و صریح مشارکت در برجام توسط ایالات متحده در بالاترین سطح و نقض هر یک از تعهدات خود ذیل برجام و قطعنامه ۲۲۳۱، آن دولت نمی تواند به هیچ وجه حقی برای خود ذیل آن قطعنامه قائل شود. همچنین عمالش نیز نمی تواند سعی کنند وجهه اش را از طریق به اصطلاح راه-حل های میانه حفظ نمایند.

چارچوب زمانی رفع محدودیت های تسلیحاتی که در قطعنامه ۲۲۳۱ پیش بینی شده، بخش لاینفک از تفاهم سخت به دست آمده است، که طرف های برجام را قادر ساخت تا در نهایت درمورد بسته کلی برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ توافق کنند. قطعنامه آشکارا و مصرانه خواستار «اجرای کامل چارچوب زمانبندی اش است». هرتلاشی برای تغییر یا تعدیل زمانبندی پذیرفته شده به معنای لطمه تمامیت قطعنامه ۲۲۳۱ است. شورا نباید اجازه دهد که تنها یک دولت این فرایند را مورد سو استفاده قرار دهد.

همانطور که در نامه رئیس جمهوری اسلامی ایران به رهبران دولتهای باقیمانده در برجام در ۸ مه ۲۰۱۹ مشخص شده است، هرگونه محدودیت جدید توسط شورای امنیت، بر خلاف تعهدات اساسی است که به ملت ایران داده شده است. در چنین سناریویی، گزینه های ایران، همانطور که قبلاً به بقیه طرف های برجام اطلاع داده شده، قاطع خواهد بود و ایالات متحده و هر موجودیتی که ممکن است به آن کمک کند – یا به رفتار غیرقانونی آمریکا تن دهد- مسئولیت کامل را بر عهده خواهد داشت.

آقای رئیس؛

خروج غیرقانونی و یکجانبه ایالات متحده از برجام و اعمال مجدد تحریم هایش، مسئولیت آن دولت را ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد، منشور ملل متحد و حقوق بین الملل قابل اعمال در بردارد. ایالات متحده همچنین تصمیم دیوان بین المللی دادگستری را نادیده گرفته است.

جامعه بین المللی و به ویژه این شورا، می بایست مدت ها پیش دولت آمریکا را در قبال عواقب اقدامات نادرستش - از جمله تلاش های بدخواهانه اش برای به راه انداختن تروریسم اقتصادی بر کل ملت ایران، محروم کردن عامدانه آنها از غذا و دارو، و وارد آوردن آسیب جبران ناپذیر به اقتصاد و استانداردهای زندگی آن ها، پاسخگو می نمود. ایالات متحده باید تمام خسارات وارده بر مردم ایران را که هیچ دلیلی جز برآورده کردن وعده های انتخاباتی داخلی اش و تبختر شخصی نداشته، به طور کامل جبران نماید.

در عین حال که جمهوری اسلامی ایران - با کلام و کردار- تمایل و ترجیح خود به تعامل سازنده با جهان را نشان داده است، ولی برای تأمین امنیت، ثبات یا سعادت خود به دیگران وابسته نیست. ما آموخته ایم که فقط خوداتکاء باشیم. به

همین دلیل است که بیش از ۴۰ سال از فشارهای آمریکا - چه از طریق طرح اتهامات یا جنگ و چه تحریم یا ترور- از جمله ترور بزدلانه قهرمان ضد تروریسم منطقه ما، سردار قاسم سلیمانی - نتوانسته است «ایرانیان را به زانو درآورد» یا بر دستگاه محاسباتی ملت ما تأثیر بگذارد.

در پایان، بگذارید دوباره از سخنان نخست وزیر مصدق در شورای امنیت در سال ۱۹۵۱ استفاده کنم که گفت «این شورا نخواهد توانست، در توجه به استدلال های مستحکم ما به قانون، قصور ورزد. بااین حال، این شورا یک نهاد حقوقی نیست، بلکه در درجه اول یک نهاد سیاسی است که بالاترین مسئولیت های سیاسی را بر عهده دارد. بنابراین بی تردید درک خواهد کرد که ما به فشار چه از جانب دولت های خارجی و چه از جانب نهادهای بین المللی تن در نمی دهیم.»

متشکرم، آقای رئیس.